

حضور مبارکت می‌رسد. اگرچه... کمال مرحمت را در حق کمینه می‌فرمایند و متشکر هستم اما مفارقت خاک‌پای مبارکت بی‌اندازه سخت می‌گذرد و گرفتاریم نهایت ندارد. استدعا دارم به هر وسیله ممکن است کمینه را از تهران نجات داده به حضور مبارکت شرفیاب بشوم. زیاده نمی‌توانم شرح کنم حالت خودم را و از دور قربان خاک‌پای مبارکت می‌گردم. شاهپور عبدالرضا و شاهپوران را بعد از توکل به خدا به مراحم اعلیحضرت می‌سپارم و کمینه را از حالات خودتان این قدر بی‌خبر نگذارید.

جانم فدایت باد

کمینه، عصمت پهلوی

[۱۳۱ - ۳۲۱۷ - ۱۱۲ الف]

۱۴۶

ژوهانسبورگ

اعلیحضرت همایونی رضاشاه پهلوی

چند روز قبل علیاحضرت ملکه مادر [تاج‌الملوک] اتومبیل مرا توقیف کرده است و این اسباب زحمت من شده. به شکایات من هم ترتیب اثر داده نشده است. به توجهات مخصوصه آن اعلیحضرت متوسل می‌شود که امر فرمایند اتومبیل مرا مسترد دارند.

کنیز شما، عصمت پهلوی

[۳۷۹۹۸]

۱۴۷

ژوهانسبورگ

اعلیحضرت پهلوی

از خداوند سلامت آن اعلیحضرت را استغاثه می‌نماید. مستدعی است امر فرمایند ده خاتون‌آباد که در نزدیکی فردیس است به عوض قرچک که به بهای آن صددرصد افزوده شده خریداری شود. خاتون‌آباد از حیث عایدی و حاصل مُرَجَّح است. شاهدخت و حمیدرضا سلامت هستند.

کمینه، عصمت پهلوی

[۳۷۹۸۸]

۱۴۸

ژوهانسبورگ

والاحضرت عبدالرضا پهلوی

ارزش زندگانی در تهران پنجاه برابر شده است؛ تغییر رفیعا و انتخاب مأمور جدید به هیچ وجه مشکلات را مرتفع نخواهد نمود. اگر ممکن باشد شخصاً کمک نمایید. هر سه سلامت هستیم.

عصمت پهلوی

[۵-۳۲۲۸-۱۱۲ الف]

۱۴۹

پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

مفتخراً به شرف عرض مبارک می‌رساند، قبل از این که تهیه اثاثیه برای شاهپور احمدرضا و شاهپور حمیدرضا ببینید، به طور امانت مقداری اثاثیه از کمینه گرفته که بعداً تهیه شده مسترد دارند. با این که مدتی است تهیه شده و دیگر احتیاجی ندارند در تحویل دادن آن اثاثیه خودداری می‌نمایند و اثاثیه دیگری در کاخ جعفرآباد می‌باشد از قبیل تختخواب و ظروف و کارد و چنگال و غیره که در زمان اعلیحضرت فقید که کمینه از حقوق خود خریداری نموده مکرر در مکرر مطالبه نموده. [سلیمان] بهبودی اظهار می‌دارد تحویل آن موکول به امر و اجازه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی است. مستدعی است امر و مقرر فرمایند هر دو فقره اثاثیه را به کمینه تحویل بدهند. استدعای دیگر کمینه این است اوامر ملوکانه به امیرپور صادر شود سه اطاق در خارج کاخ سعدآباد برای سکنای مستخدمین کمینه بدهند که منزل نمایند زیرا هر کدام از آنها از شوهر و آشپز مجبوراً شبها را به شهر آمده ممکن است در موقعی پیشامدی بشود که احتیاج مبرمی به آنها بشود و از طرف دیگر در موقع خدمت بتوانند خود را حاضر نمایند و در ویلای سکنای خود کمینه هم‌اطاقی ندارد که آنجا منزل نمایند. عرض دیگر، در ویلای مرحمتی گاراژی نداشته، کمینه هم محتاج به گاراژ بوده. طبق صورتی که از لحاظ

شرف خاک پای مبارک می گذرد هزینه نموده چنانچه اراده سنیه مبارک اقتضا فرمایند امر ملوکانه شرف صدور یابد که مخارجی که شده مرحمت شود.

کمینه، عصمت پهلوی

[۳۳-۲-۱۲۶-پ]

۱۵۰

تهران

والاحضرت عصمت پهلوی

از رسید تلگراف سلامت شما خوشوقت شدم. راجع به امور شما به طور کلی سفارشات به اعلیحضرت شده است؛ راجع به این قبیل مسائل مستقیماً به ایشان رجوع نمائید.

[۱۸-۳۲۱۷-۱۱۲-الف]

۱۵۱

مورخ: ۱۳۲۲/۸/۳۰

از: تهران

پیوست: دو صورت

آقای ایزدی

تعقیب معروضه تلگرافی، اینک راجع به وضعیت صورت مصارف مربوط به والاحضرت عصمت پهلوی، دامت شوکتها، حاصل بررسیها را مشروحاً اشعار می دارد که مراتب را از عرض پیشگاه مبارک بگذرانند:

الف: مصارف مربوطه عبارت از اقلام زیر است:

۱. هزینه آشپزخانه ۲. هزینه ملبوس اختصاصی و غیره ۳. حقوق مستخدمین
۴. مصارف اتومبیلها.

ب: قبل از تشریح میزان ارقام بالا، لازم می آید به عرض برسانم که سطح هزینه زندگی اصولاً در تهران فوق العاده بالا رفته و هیچ شیئی، اعم از خواربار و اجناس دیگر، نیست که از ۵۰ الی ۶۰۰ درصد بالا نرفته باشد و آثاری هم که موجب تنزل بهای کالاها باشد به هیچ وجه به نظر نمی رسد. و واقعاً زندگانی برای تمام طبقات، بلااستثنا، مشکل

و دشوار شده است. اینک اصل موضوع:

ج : به طوری که به جزء صورت گرفته شد، ناظر آشپزخانه که فعلاً خود آشپز است ماهیانه در حدود ۵۰۵۹۳ ریال صورت خرید اغذیه آشپزخانه را داده که پس از رسیدگی تصور می‌رود مبلغی زیاده روی کرده زیرا صورت خرج شهریور ماه آشپزخانه بنابر تصدیق خود او به ۴۵۵۹۲ ریال بالغ شده. بدیهی است اگر اجناس اولیه را که عبارت از برنج و روغن و سوخت و اشیاء متشابه آنها است معمولاً یکجا خریده انبار کنند و تدریجاً به مصرف برسانند، طبعاً مبلغی از این رقم کاسته خواهد شد. خلاصه به عقیده بنده می‌توان مصارف آشپزخانه را در حدود چهل هزار ریال با رعایت صرفه‌جویی تقلیل داد.

د : هزینه ملبوس والا حضرت، به طوری که خودشان صورت داده‌اند، در حدود ماهی سی هزار ریال است که البته رسیدگی به آن مخالف ادب بوده. بدیهی است با مراعات صرفه‌جویی این رقم را در نظر گرفته‌اند. از طرفی روی همان اصل اولیه، که به عرض رسید، قیمت پارچه خارجه و اجرت دوخت ملبوس فوق‌العاده گران شده و پارچه متناسب با معظم‌لها کمتر از متری دو سه هزار ریال به دست نمی‌آید. - صورت پیوست است -

ه : مستخدمین والا حضرت عصمت‌الملوک والا حضرتان شاهپور حمیدرضا و شهدخت، اعم از آموزگاران و پیشخدمتها و دایه‌ها و شوفرها و غیره، با تقلیلی که اخیراً والا حضرت داده‌اند در حدود ۲۶ نفر می‌باشند. مطابق صورت پیوست مجموعاً ۱۸۰۰۰ ریال به آنان حقوق داده می‌شود. چنانچه در صورت ارسالی ملاحظه خواهند فرمود، میزان حقوقات نسبت به مستخدمین خارج فوق‌العاده قلیل در نظر گرفته شده. با وضعیت امروز بی‌اهمیت‌ترین مستخدمین دولت در حدود ماهی هزار ریال حقوق دریافت می‌دارند. بنابراین در این مورد تصور زیاده روی نمی‌رود سهل است صرفه‌جویی هم شده است و اکثر مستخدمین به ملاحظه سختی معیشت ناراضی، و طبیعی است که در صورت تصویب بایستی اضافاتی برای آنها بعداً منظور شود.

و : مصارف اتومبیل‌های والا حضرتها نیز که با نظارت ابوالفتح آتابای، متصدی گاراژ سلطنتی، انجام می‌شود از بنزین و روغن و غیره در حدود ماهی شش هزار ریال بالغ می‌شود که اگر مصارف مرمت اتومبیلها را در نظر آوریم با گرانی فوق‌العاده لوازم یدکی اتومبیل که اکثر نایاب است در حدود چهار هزار ریال هم خرج تعمیر باید منظور گردد، و روی هم رفته برای مصارف اتومبیلها ماهیانه ده هزار ریال مورد نیاز خواهد بود و طبعاً با

این رقم بایستی مراعات صرفه جویی را بنمایند.

ز : عجالتاً از محل هفتاد هزار ریال مصارفی که ماهیانه به دستگاه والاحضرت عصمت پهلوی، دامت شوکتها، داده می شود ده هزار ریال آن به طور مطلق برای صرف لباس و جیب والاحضرتان شاهپور و حمیدرضا و شهدخت پرداخت می گردد - شش هزار ریال والاحضرت شهدخت، چهار هزار ریال والاحضرت شاهپور - به طوری که رسیدگی شد این ارقام ناچیز با خرج تهیه لباس و اصلاح و صرف جیب والاحضرتها تطبیق و تکافو نمی کند و چون اتخاذ تصمیم در این قسمت منوط به نظر ملوکانه است در این مورد عرض نظر را جایز نمی داند.

ح : همه ساله مبلغی خرج تعمیر و تجدید اثاثیه و لوازم کاخ مسکونه والاحضرتها می شود که تقریباً غیرقابل احتراز است کما اینکه امسال در اثر انتقال از کاخ تابستانی به شهر در حدود ۱۱۰۰۰ ریال مخارج تعمیر و رنگ آمیزی مبل و غیره را داده اند و البته همه ساله گاهی هم ماهیانه این نوع هزینه های ضروری پیش می آید. برای این خرج و همچنین مصارف غیرمترقبه دیگر به طور تقریب ماهیانه دو هزار ریال در نظر گرفته می شود.

خلاصه با عرض مراتب بالا در صورتی که ماهیانه یکصد و ده هزار ریال بابت کلیه مصارف والاحضرت اعطا شود می توان امیدوار بود که فعلاً زندگانی معظم لها با وضع نسبتاً مناسبی اداره خواهد شد - کمتر کردن از این ارقام البته منوط به نظر مبارک ملوکانه است -

خاتمتاً، محض استحضار زحمت می دهد که آقای رفیعا مدتی است به سمت پیشکاری والاحضرت مشغول خدمت، مردی متین و شریف به نظر می آید و تا حد توانایی در خدمتگذاری به طور شایسته انجام وظیفه می نماید.

محمدعلی صفاری

[۳۸۴۲۲ تا ۳۸۴۱۹]

۱۵۲

خانم محترم عزیز، [توران امیر سلیمانی] قربانت شوم.

امیدوارم که وجود عزیزتان خوش و سلامت بوده باشد. از این که مزاحم اوقات شریف شدم خیلی معذرت می خواهم. البته حضرت علیه از خواهر خود [م] محترم و عزیزتر هستید... اندازه ای از وضعیت زندگی بنده آگاه هستید. از سرکار خواهش می کنم

این عریضه را تمنا از طرف بنده نفرمایید، از والاحضرت شاهپور غلامرضا، که به عرض اعلیحضرت برسانند و خواهش را التفات بفرمایند. موضوع این عریضه راجع به حقوق بنده است که شاه کمک بفرمایند به زیردستان. چون به اطرافیان بی‌اندازه التفات می‌فرمایند، بنده جای خود دارم. پناهی غیر از اعلیحضرت کسی را ندارم؛ چون محل ندارم برای زندگی اولاد عزیز شما برای خاطر برادر خود والاحضرت شاهپور عبدالرضا بزرگی کنند. در این دربار هر کسی به فکر خود می‌باشد؛ بنده تنها واقع شدم... من اندازه میل و تعارف سرکار را همه اوقات دارم؛ اگر اجازه بفرمایید برای عصر سه‌شنبه یا پنجشنبه عصر حضورتان شرفیاب شوم؛ میل عزیزتان می‌باشد. نهایت تشکر را دارم.

قربانت عصمت پهلوی

[۵-۰۳۴-۸۲۵ الف]

حاکم محرم عمیر درایت هم ایبه دارم که در خدمت ایشان خوش سلاست بوده اند آرا این که
 تراحم ادعای سرب شه رایج قدرت عمیایم ایبه حضرت قبله از جمله خود محرم و عمیر ترشیدیه ...
 آنه ارنج اردو صیبت ترشح سر آگاه سینه پد آرا کار حواسی کیم این ترشیدیه را متاد ارنج ستم
 ترشیدیه آرد الا حضرت شاه دیه علام رضا که به ترشیدیه حضرت سرباشند و خواهر را انتفات
 قیر مانتد مرتجع این ترشیدیه رایج به چون ستم انت که شاه امک ترشیدیه به ترشیدیه ستم حین
 به اطراف میان له آرداره انتفات ترشیدیه ستم حواسی خود دارم تیا پیر ترشیدیه انتفات این را
 نه دارم حقی عمل نه دارم سرباش ترشح اولاد ترشیدیه ستم حواسی ترشیدیه در حد و الا حضرت شاه دیه
 عبدالرشاد ترشح لند در این در مار سرباش لند خود سرباش ستم نهاده و افع شه ...
 ترشیدیه ستم سرباش ستم سرباش ستم سرباش ستم سرباش ستم سرباش ستم سرباش ستم سرباش ستم
 مانتد ترشیدیه ستم سرباش ستم سرباش ستم سرباش ستم سرباش ستم سرباش ستم سرباش ستم

مراتب محبت پهلوی

۱۵۳

پیشگاه مبارک بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر

اعلیحضرتا، شب و روز دست توسل و نیاز به سوی خداوند دراز نموده و از ساحت اقدسش طلب صحت و سلامتی آن شاهنشاه پرمهر و محبت را می‌نمایم و همواره از درگاهش آرزومندم که ذات شاهانه و ولیعهد عزیزم را در کهف [کنف] حفظ و حمایت خود قرار دهد.

پدر تاجدار و مهربان، چون نزدیک عید است، ضمن عرض تبریک و تشکر از مراحم ملوکانه، استدعا دارد امر و مقرر فرمایند مقرری عید را که طبق معمول سنواتی به مبلغ پنج هزار تومان به این جان نثار اعطا می‌فرمایند. حال نیز اوامر شاهانه شرف صدور یابد که مقرری سالیانه را به جان نثار پرداخت نمایند.

در خاتمه، مجدداً صحت و سلامتی آن پادشاه رؤف [رثوف] و همچنین سلامتی شهبانوی گرامی و والاحضرت ولایتعهد عظمی را از خداوند عز و جل خواهانم.

کمینه، عصمت پهلوی

[۹۱ تا ۸۹-۹۹۷-د]

۱۵۴

به خاک پای مقدس اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر ارواحنا فدا، به عرض مبارک می‌رساند: همه ساله امریه برای پرداخت مبلغ پنجاه هزار ریال به عنوان عیدی شرف صدور می‌یافت. اینک که موقع سال نو فرا رسیده از خاک پای پدر تاجدار خود استدعای بذل توجه و مرحمت را دارم.

۱۳۴۸/۱۲/۲

جان نثار، حمیدرضا پهلوی

[۹۰-۲-۹۹۷-د]

۱۵۵

دفتر مخصوص شاهنشاهی

حضور محترم جناب آقای بهبهانیان، معاون وزارت دربار شاهنشاهی
پس از تجدید مراتب ارادت، حسب الامر ملوکانه عریضه والاحضرت عصمت و
عریضه دیگر حضور عالی ایفاد می‌گردد. امر و مقرر فرمودند نظیر سال گذشته عمل
شود.

۴۸/۱۲/۱۹

ارادتمند [امضا]

[در حاشیه:]

حسابداری کل دربار شاهنشاهی، طبق معمول سنواتی عمل فرمایند. ۱۳۴۸/۱۲/۲۱
به پیوست ارسال شد. ۱۳۴۸/۱۲/۲۶
دو فهرست به دربار شاهنشاهی ارسال شد که عیدی والاحضرت شاهپور حمیدرضا و
والاحضرت عصمت پهلوی طبق سال گذشته پرداخت شود.

[۸۹-۱-۹۹۷-د]

www.KetabFarsi.com

اسناد تاج الملوك پهلوی

۱۵۶

همسر عزیزم [تاج الملوک] را قربان می‌روم

هرچند به وسیله تلگراف از سلامت شاه و شما و شاهدختها گاه اطلاع حاصل می‌شود ولی این وسیله کافی نبوده و با توجه به علاقه‌ای که من شخصاً به کارهای داخلی شما دارم، مایلیم که کتباً هم مرا از جریان احوال خودتان مسبق سازید. از جمله مسافرت شما با شاهدخت به مصر در بدو امر، پس از اطلاع به وسیله رادیو برای من صورت معمایی به خود گرفته و قریب یک ماه به کلی خواب را از من سلب نموده بود به طوری که دقیقه‌ای از این خیال منصرف نبودم و هر لحظه تصوّرات گوناگونی در خاطر خطور می‌کرد تا اینکه از قاهره تلگرافی از شما دایر به ذکر علت مسافرت و رفع کسالت خودتان رسید و تا حدّی اسباب تسکین خاطر فراهم گردید، اما چون در تلگرافاتی که بعد از آن تاریخ از شمس رسیده اسمی از فریدون به هیچوجه برده نشده است، فکر مرا متوجه این نکته کرده که شاید تغییری در زندگانی شاهدخت شمس رخ داده و علت غایی این مسافرت بوده است.

به هر صورت با این فکر که ممکن است تبادل مکاتبات طول مدّت لازم داشته باشد من را از نظر اطلاع از احوال خودتان در تاریکی گذاردن و بر اثر افکار دچار تألمات ساختن به کلی از رویه انصاف دور می‌باشد، زیرا به طوری که مسبق هستید تنها چیزی که در روحیه و فکر من تأثیر مستقیم می‌نماید اطلاع از اوضاع و احوال فامیل است و به همین جهت، همین که تأخیری در وصول تلگرافات رخ بدهد حواس من پریشان و مختل می‌گردد، خصوصاً اینکه امری به وقوع پیوندد که از آن خبر تصویری آن هم به وسیله قرائن چیزی در ذهن نباشد و بی‌جهت به علت غفلت شما یا به علل دیگری که بر من پوشیده است در فرستادن خبر دائماً دستخوش ناراحتی خیال و تشویش باشم. به دلایل بالا مخصوصاً خواهشمندم مطالب خانوادگی را که گمان نمی‌رود رساندن آن هیچ مانعی داشته باشد هرچند روز یک دفعه خودتان شخصاً برای بنده نوشته و به طور عادی ارسال دارید.

از این رهگذر گذشته از اینکه مرا از احوال خودتان مطلع نموده‌اید اوقاتی هم که در اینجا به مصرف خواندن یا فرستادن مکاتبات می‌شود بهترین دقایق عمر محسوب می‌گردد. راجع به این دو مطلب که در بالا گفته شد یعنی علت اصلی مسافرت و وضعیت

شاهدخت شمس هرچه زودتر مرا مشروحاً مسبق سازید.

مسئله دیگری نیز که در زندگانی فعلی حائز اهمیت است موضوع مستخدمین است با اینکه خواسته شده بود که چند نفر مستخدم صحیح‌العمل اعزام نمایند ولی چون اطمینان دارم کسی که علاقه و توجهی به این امور داشته باشد وجود ندارد مستخدمینی که فرستاده شده‌اند از بین طبقات پست و فاسد‌الاخلاق و در حقیقت از همه جا مانده و بیکار انتخاب شده‌اند و چهار نفر از آنها هم فعلاً مراجعت داده شده‌اند در اینجا جز تضييع وقت و آبرو و ایجاد نفاق بین خودشان و بروز دادن اصل خود کار دیگری از آنها بر نمی‌آید به این دلیل بدون اینکه استفاده‌ای از آنها شده باشد به خدمت آنها خاتمه داده شد بالاخص جعفر آدم صحیح مرتبی نبوده و حتی به کار تقلباتی هم دست زده است، هرچند از تعقیب آنها صرف نظر شده ولی چون حامل صفحه هستند مقصود این است مراقبت نمایند که نتوانند آنها از این عنوان استفاده کرده و مجدداً در آنجا به خدمتی گمارده شوند و باید اقلأ از استخدام آنها به کلی صرف نظر گردد. ضمناً در صدد باشید دو سه نفر مستخدم کارآزموده صحیح‌العمل که سابقه آنها بر خود شما روشن شود در نظر گرفته و بعد از اینکه از وضعیت و سوابق آنها اطمینان پیدا کردید آنها را اعزام دارند که از این حیث بیش از این در زحمت نباشیم. هرچند تصور نمی‌کنم وضعیت زندگانی ما در اینجا با نداشتن مرکز و غیره بر شما پوشیده مانده و محتاج به توضیح بیشتری باشد، مع‌هذا اطمینان داشته باشید اگر طرز زندگانی من اجازه می‌داد که زندگانی راحت بی‌سر و صدایی از لحاظ مستخدم و غیره داشته باشیم بی‌تردید دقیقه‌ای دوری شما و شاهدخت‌ها را تحمل ننموده و به هر وسیله‌ای که بود درخواستن شما اصرار می‌ورزیدم اما با این وضعیت راحتی و آسایش شما را ترجیح داده و به هیچوجه مایل نیستم که برای خاطر من شما نیز دچار زحمت شده و زندگانی عادی هم از شما سلب گردد.

مقصود این است تصور ننمائید که من در خوشی و راحتی زیسته و از خیال شما فارغ و آسوده هستم. اگر درست کسی از ضمیر من آگاه گردد خواهید دید که حس فامیل دوستی و علاقه به خانواده به قدری در من زیاد و شدید است که شاید شخصاً آن طور که در عالم مقایسه می‌بینم بی‌نظیر و بی‌سابقه باشد زیرا من به هر صورت و وضعی باشم به آن تن داده و به راحتی خود اعتنایی ندارم فعلاً هم در اینجا کوششم برای آسایش اطفال است که همراه من هستند و الا زندگانی برای من حکم جان‌کندن را داشته

و آن قدر سخت جانی نیز در خود سراغ نداشتم و اگر از وضعیت شما هم همانطور که هست مرتباً آگاه و مطلع شوم شاید آرزوی دیگری نداشته باشم.

در خاتمه سعادت و سلامت دائم شما را از خداوند خواستار بوده و امیدوارم شما را برای سرپرستی اطفالتان محفوظ بدارد. به انتظار داشتن مژده سلامت شما کتباً و تلگرافاً، شما را به خدا می سپارم.

ارضا پهلوی |

[۲۲-۳۲۱۲-۱۱۲ الف]

۱۵۷

همسر عزیزم | تاج الملوک | را قربان می روم

با اینکه اطمینان دارم به هیچ وجه بر شما پوشیده نیست که تنها دلخوشی فعلی من اطلاع از احوالات و جریانات زندگانی افراد فامیل می باشد معهداً متعجبم که چه چیز موجب می شود نه تنها از این رهگذر در صدد کمک و همراهی با من بر نمی آید بلکه از ارسال پاسخ نامه های من نیز خودداری می نمایید، اینجا است که این انتظار هم سر بار سایر آلام روحی شده بر اثر مختصر غفلت شما بیش از پیش من باید در بی خبری دقیقه ای از تهاجم اضطراب و پریشانی آسودگی نداشته باشم محتاج به توضیح نیست که اساس و منشاء این توقع مخصوصاً از شخص شما روی این پایه و نظر است که مسئولیت وجدانی شما به این علت که فعلاً آنجا در رأس فامیل واقع شده اید از سایرین بیشتر بوده و به همین نسبت هم باید توجه شما به آسایش معنوی یکایک افراد فامیل معطوف گردد. در صورتی که خودتان هم به این معنی متوجه بوده و از روی ایمان و حقیقت مایل باشید در راه تکلیف قدم مؤثری بردارید تنها گوشه عزلت گزیدن و دست تأسف و تلهف به دندان گزیدن کافی نبوده و لازم است با منتهای دقت شاهد جریانات بوده و با هدایت عقل و منطق فرزند عزیزتان شاه را در خصوص امور داخلی و کارهای فامیلی آگاه و بیدار سازید، من هم شخصاً هیچ فکر و آرزویی جز فراهم آمدن وسایل آسایش فرزندانم نداشته و می خواهم به هر نحو که ممکن باشد روح یگانگی و معنویتی بین آنها ایجاد گردد که هیچ وقت تحت تأثیر القانات واقع نشده و راه استفاده مغرضین و مفسدین که برای مقاصد سوء خود همواره در صدد بینوئیت | اینونت | هستند به کلی بسته شود در

تعقیب همین فکر هم محمود و احمد را که اوقاتشان تقریباً در اینجا به عطالت و بطالت می‌گذرد به تهران فرستادم که هم به تکمیل تحصیلات و ادبیات فارسی پرداخته و هم اسباب تقویت روحی مادرشان که داد از تنهایی دارد تا حدی فراهم گردد البته نتیجه غائی دیگری را هم آمدن آنها در بردارد که به نظر من دارای اهمیت فوق‌العاده می‌باشد و آن این است که هر چند برحسب ظاهر آنها نمی‌توانند کمک فکری مهمی به برادر معظمشان نمایند اما همین قدر که نزدیک بوده و مقداری از اوقات شاه در روز صرف صحبت با آنها بشود خواهی نخواهی موجب تقویت روحیه شاه خواهد گردید.

نکته دیگری که اشاره آن را لازم می‌دانم این است هر چند اطمینان دارم طرز رفتار شما با مادر شاهپور عبدالرضا [عصمت‌الملوک] کاملاً محبت‌آمیز است ولی من از شما انتظار دارم در غیبت من از او حمایت کرده و برای اینکه من از فشار خارج شوم غالباً او را طرف محبت قرار بدهید و همچنین نسبت به وضعیت تحصیلی و اخلاقی شاهپورها و فاطمه هم خودتان کسب اطلاعات نموده مراقبت نمائید که به وجود شما دلگرم باشند، بیشتر قصد من به طوری که در بالا گفتم این است که بر اثر توجه و کوشش شما کانون محبت‌آمیزی در فامیل ایجاد گردد که مجال هیچ‌گونه رخنه‌ای برای نمامین و منقشین باقی نماند.

در خاتمه سلامت و سعادت یکایک افراد فامیل را از خداوند خواستار بوده و امیدواریم که آرزوی تجدید دیدار که همه در آن شریک هستند به خواست خدا به هدف اجابت رسیده جبران محرومیتها بشود.

[رضا پهلوی]

[۱۵-۳۲۱۲-۱۱۲ الف]

۱۵۸

۱۷ شهریور ۱۳۱۱

دفتر امور املاک شاهنشاهی

حسب الامر مبارک بندگان علیاحضرت ملکه پهلوی [تاج‌الملوک]، دامت عظمتها، ابلاغ می‌نماید که قدغن نمایید حسب الامر جهان مطاع ملوکانه ارواحناه این ۱۰ بظر از شراب مخصوص تحویل کارکنان درب اندرون نمایید.

بهاء‌الدین دادستان

[۹۳-۹۹۶-د]

علی دشتی

۱۱ فروردین ۱۳۳۱

قربان وجود مقدس گردم. امیدوارم سال نو برخلاف سال گذشته بر آن علیاحضرت [تاجالملوک] مبارک و میمون بوده و حامل سعادت و خوشی باشد و خاندان جلیل پهلوی در کنف حمایت و مرحمت خداوند قرین کامیابی و موفقیت باشد. گمان نفرمایید که علیاحضرت تنها در غربت هستید و دور از مرکز زندگانی و سلطنت، ما هم که در تهران هستیم روزهای غمناکی را می‌گذرانیم و مخصوصاً نبودن علیاحضرت در تهران برای تمام آن کسانی که از نزدیک مکارم و سجایای عالیہ علیاحضرت را دیده‌اند و به همین جهت سرارادت سپرده‌اند یک فقدان غیرقابل جبرانی است. بدون تعارف و بدون اینکه بخواهم فقط یک رسم ادب و بندگی به جای آورم عرض می‌کنم نبودن علیاحضرت در تهران برای بنده یک ضایعه فوق‌العاده اسفناک و محسوس است. در خاتمه دست مبارک را بوسیده و مجدداً سلامتی و سعادت وجود مقدس را از درگاه خداوندی مسئلت کرده و امیدوارم به زودی ما را به زیارت محضر مبارک برخوردار سازد. تأخیر در عرض بندگی ندانستن محل اقامت بوده است.

ع. دشتی

[۲۱ - ۳۲۳۷ - ۱۱۲ الف]

علی دشتی

۱۱ ماه اردیبهشت ۱۳۳۱

قرآن دگر گفته است کرده، ای به دار پس از [بر خند خدای]
 گفته است [بر آن میں حضرت سے بزرگ و سیرت سے دعا کرتے ہیں]
 ہے وہ خاندان میں پھر دگر گفتار سے دعا کرتے ہیں
 گایا، بر حضرت، کھا کا تر، کھانے کو عبد حضرت تھانہ دے تھے
 از کر که در کمال سلطنت، ای که در کمال سلطنت
 مخصوصاً نبی عبد حضرت در کمال سلطنت
 کجا، رسا، بر علیه عبد حضرت
 سیرا، از یک نکتہ ان غیر تکرار بهر امان
 ای که بخواهم فقط یک رسم ادب دگر که بپای آورم حضرت یک نمون
 عبد حضرت در کمال سلطنت، ای که بخواهم فقط اسناد
 ای که بخواهم فقط در کمال سلطنت
 و ممد "سدتر" سے دگر تکرار در کمال سلطنت
 سنت کرده و ای به دارم بزرگ ماو بزرگ سے حضرت
 بر فرود آمد از دگر، تا فرود آمد بزرگ ماو بزرگ سے حضرت
 دگر

۱۶۰

مادر عزیزم

نامه اخیر شما رسید و از مندرجات آن مسبوق شدم. برای مزید اطلاع تصریح می‌نماید مصلحت‌مان بوده است که از تهران به خارجه مسافرت نمایم،^۱ زیرا بعد از حرکت آن مادر عزیزم نه تنها وضعیت بهتر نشده بلکه روز به روز پیچیده‌تر شده و اینکه بر اثر ناراحتی خیال خودتان اظهار نموده‌اید مراحم من متوجه دشمنان دوست‌نما می‌باشد باید اعتراف نمایم که از شئونات متصوره چیزی باقی نمانده است که تا دشمنان دوست‌نما بهره‌مند شوند. و اما اینکه بدون توجه به وضعیت آشفته و ناگوار تهران در صدد هستید که برای جبران خسارت وارده بی‌خبر مراجعت به ایران نمایید با اوضاع فعلی یقین داشته باشید اجرای این خیال جز ندامت نتیجه و ثمره دیگری نخواهد داشت. سایرین نیز پس از فراهم نمودن وسایل مسافرت حرکت خواهند کرد. با سوابق و اطلاعاتی که به روحیات من دارید، البته می‌دانید مقصود از این توضیحات برای تکمیل اطلاعات و فراهم داشتن آسایش خیال آن مادر عزیزم می‌باشد. عجالاً در درجه اول باید مراقب باشید که پای شما به کلی صحت یابد و از این حیث جای نگرانی نباشد.

۲۱ آبان ماه ۱۳۳۱

[امضا] محمدرضا پهلوی

[۶۷۰۸]

۱. منظور، تبعید ناج‌الملوک از ایران و عزیمت او به همراه شمس پهلوی به کالیفرنیا در زمان نخست‌وزیری دکتر مصدق است.



باد عزیم

نام خیرشایرسید و از مدتی است آن سبوق نام برای فردی بطبع تصحیح چند معطل است
 که از دران بخارج مبادرت یابد بر پایه از حرکت آن در غرض از تقویت صنعت سمرقند و بخار و از
 یکدیگر ترند و بیکدیگر در خارج خلیج حوتان اظهار نمودند و در جمیع ممالک عثمان و استانی است
 بموافقی نام که از شرف است متوجه خیرشایر نامه است که نام عثمان است تا بهر دست که در آن
 بدون وجه صنعت بخت و ناگواران در صدد است که برای جبران خسارت در راه به جرات
 بایران یابد با اوضاع فعلی یقین داشته باشد اجرای این خلیج جز است که در راه درستی
 نخواهد داشت مابین نیز پس از فرام نمودن و سایر مبادرت حرکت خواهند کرد و بخواهند
 بعدی که بر حیات هم دارد پس سید اند مقصود از این توهمات برای گنجانند و فرام
 و این استر خلیج آن مادر عزیم می باشد در راه مقرب به مقرب باشد که در راه
 و از این جهت سایر خواننده نام ۱۳۰۱

۱۶۱

حسابداری دربار علیاحضرت ملکه پهلوی

شماره: ۱۵۴۱

تاریخ: ۱۳۳۱/۹/۱۵

محرمانه

آقای جمشید نوروزی، رئیس حسابداری علیاحضرت ملکه پهلوی

از قرار گزارشی که از سفارت کبرای شاهنشاهی در واشنگتن رسیده است وزارت امور خارجه امریکا به سفارت کبرای شاهنشاهی مراجعه و استعلام نموده است چه مقدار دیگر بسته‌های شخصی از ایران به نام علیاحضرت ملکه پهلوی وارد خواهد شد. و علت این سؤال هم از این جهت بوده است که خزانه داری کل امریکا نمی‌تواند من بعد با ورود اشیاء شخص دیگری به اسم علیاحضرت معظم لها بدون دریافت مالیات و عوارض گمرکی موافقت نماید. مدلول گزارش سفارت کبرای شاهنشاهی به عرض پیشگاه مبارک ملوکانه رسید. در این خصوص اوامری فرمودند که به جناب آقای اللهیار صالح سفیر کبیر دولت شاهنشاهی در واشنگتن ابلاغ گردید.

علی‌ایّ حال برای اینکه در آتیه حمل اشیاء به امریکا به اشکال برنخورد لازم است دقت نمایند بعد از این از تهران کمتر اسباب و اثاثیه به امریکا فرستاده شود.

[حسین علا] وزیر دربار شاهنشاهی

[۴۰-۳۲۳۷-۱۱۲-الف]

۱۶۲

تهران ۲۵ آذرماه ۱۳۳۱

مادر عزیز و بهتراز جانم را هزاران بار قربان می‌روم

امیدوارم که وجود عزیزت در نهایت صحت و سلامت باشد و آنقدر که ممکن است کسالت روحی و جسمی نداشته باشید. مادر جان شما حتماً از من گله‌مند هستید و گله شما نیز چندین دلیل دارد. مطمئن باشید که من همان فرزند پر عاطفه هستم و عوض نشده‌ام و خصوصاً در این موقع که شما از من دور هستید و در وضعیت نامناسبی زندگی می‌کنید شاید از هر کس بیشتر، من متأثر هستم. اگر در روز حرکتتان در تهران نبودم نباید

نسبت به من عصبانی و مأیوس شوید. همان روزی که شما حرکت کردید - البته ساعت ۵ صبح - ساعت ۷، پس از دو ساعت از حرکت شما، من به سعدآباد وارد شدم با شتاب سؤال کردم که مادرم کجاست؟ سیف‌الله گفت، تشریف بردند، ناگفته نماند که تمام شب را در راه بودم که به شما برسم و بالاخره اینطور شد. تازه، روز حتمی حرکت شما را نیز نمی‌دانستم. دلیل دومی که ممکن است شما از من رنجیده باشید این است که چرا تا به حال برای شما کاغذی ننوشتیم؛ مطمئن باشید که شما مادر عزیزم را فراموش نکرده‌ام و از هر کس بیشتر در زندگی به فکر شما هستم. عزیزم، اگر شما فقط چند دقیقه به فکر زندگی ما، در ۳۰ تیر به این طرف بوده باشید به خوبی درک خواهید کرد که روحیه ما، در چه حالی بوده است. البته اینها هیچ کدام دلیل ننوشتن کاغذ نمی‌شود، یعنی انسان همیشه آنقدر وقت دارد به مادرش کاغذ بنویسد در هر صورت این نکته دوم را نیز خواهید بخشید. برادرمان مدت چندین ماه دائم می‌فرمودند که چرا پس بساتتان [بساطتان] را جمع نمی‌کنید و حرکت نمی‌کنید؟ ما را هم به کلی گیج و مأیوس کرده بودند ولیکن فعلاً یک ماهی است که اوضاع خیلی بهتر است و دیگر صحبتی در آن زمینه نمی‌شود. خود من دائم هر دفعه ۱۵ روز و ۲۰ روز برای تسریع کارهای گنبد یعنی ملکم به گرگان عزیمت می‌کردم و حالا که کارها تقریباً رو به اتمام است اوضاع خیلی ساکت‌تر و بهتر شده است. در هر صورت می‌توان گفت که فعلاً آنها از آسیاب ریخته و وضعیت خیلی ساکت است. آینده چه دربر خواهد داشت، آن را هیچ نمی‌توان پیش بینی نمود. در هر صورت امیدوارم، که به نفع اعلیحضرت و مملکت تمام شود و هر چه زودتر فامیل دور هم جمع شویم.

به قدری از خبر ناگوار شکستگی پای مادر عزیزم متأثر شدم که حد ندارد. حقیقتاً گاهی اوقات انسان در زندگی بسیار بد می‌آورد البته این خبر نه فقط در فامیل بلکه در تمام محافل تهران با تأثر و اندوه تلقی گشت. مادر عزیزم، خواهش می‌کنم که لااقل چند سطری برای من از اوضاع و اصول خود بنویسید. عزیزم، در آنجا چکار می‌کنید. و الحمدلله که شمس در آنجاست و گرنه که زندگی برای شما غیرقابل دوام بود. امیدوارم خوش و خرم باشید. در هر صورت مشروح زندگی خود را درج فرمایید به بدری دستور دهید که مفصلاً بنویسد. خواهشمندم که سلام مرا به همگی برسانید. راجع به زندگی شخصی خودم اگر بخواهید چند سطری برایتان شرح خواهم داد. اولاً خودم بحمدالله

نسبتاً سلامت هستیم و بچه نیز بحمدالله بد نیست. از لحاظ روحی البته این دوران اخیر خیلی تعریف نداشته است. همان طوری که گفته‌ام این چند ماهه اخیر را بیشتر در گرگان گذرانده‌ام چون وضعیت محصول ایجاب می‌نمود. البته همان طور که لابد اطلاع دارید، احمد شفیق نیز از ایران رفت و من فکر می‌کنم که خیلی اسباب تأسف است.

چیزی که می‌بایستی البته در قسمت اول کاغذم می‌نوشتم ولیکن چون حدس می‌زنم که تا اندازه‌ای اطلاع دارید همانا موضوع وضع مزاجی و روحی برادر گرامی‌ام است. البته ایشان در چند ماهه اخیر از لحاظ روحی خیلی ضعیف شده‌اند ولیکن از آنجایی که - خدای ۱۵ بهمن - همیشه همراه ایشان هستند از این لحاظ فکر می‌کنم که مطمئنم که هیچ وقت خطری متوجه ذات مبارکش نخواهد شد و این غمگینی و تأثر نیز شاید با مرور زمان عادت شود و کم کم به وضعیت فعلی که غیر قابل قبول است عادت بکنند. در هر حال، ماندن شاه در این مملکت کاملاً از واجبات است و فکر می‌کنم که وضعیت ایران در هر صورت تفاوت فاحشی با وضعیت مصر دارد مادر عزیز، چون دیگر مطلبی که قابل توجه باشد ندارم اینک کاغذم را در همین جا به اتمام رسانده و روی ماهت را به امید دیدار زودت از دور می‌بوسم.

فرزند با عاطفه و دوستدار شما علی [علیرضا]

[۷ - ۳۲۳۷ - ۱۱۲ الف]

۱۶۳

اول اسفند ۱۳۳۱

شمس پهلوی

مادر عزیز و بهتر از جانم را قربان می‌روم

امروز درست ۱۶ روز است که، مادر عزیزم، ما را ترک کرده‌اید. یقیناً مهرداد در سه کاغذی که به آن مادر مهربان نوشته تا حدی تأثر و دل‌تنگی ما را از جدایی مادر عزیز شرح داده است. این است که من نوشتن شرح حالت روحی خود را به آن مادر نازنین دیگر زاید می‌دانم. همانقدر می‌نویسم، ای کاش اصلاً مادر عزیز اینجا نمی‌آمدید و من آنقدر به آن وجود عزیز انس نمی‌گرفتم که از دوری مادر مهربانم غصه بخورم. باری،

مادر بی‌همتا خیلی متعجبم که چطور آن مادر عزیز پس از یک هفته هنوز با تلفن با من صحبت نکرده‌اید. اگر مطمئن بودم که شما تلفن نخواهید کرد من حتماً با وجود وضعیت خرابی که داریم با مادر بی‌مانندم با تلفن صحبت خواهم کرد [می‌کردم].

از دیروز صبح تا حالا خیال ما برای ایران و مخصوصاً برادر بی‌همتا خیلی ناراحت است. لابد همان موقعی که ما در رادیو آن اخبار^۱ را شنیدیم همان موقع نیز مادر عزیزم از جریان اتفاقاتی که افتاد مسبوق شدید. خوشابه حال مادر عزیزم که می‌توانید اگر بخواهید هم با برادر عزیزم و همچنین با شاهپور [علیرضا] با تلفن صحبت کنید و کاملاً از حقیقت مطلب مطلع شوید! در هر حال من که غیر از غصه خوردن و دعا برای سلامتی و سعادت آن مادر مهربان کار دیگری از دستم بر نمی‌آید.

از حالت [حال] ما خواسته باشید الحمدالله نسبتاً همگی سلامتیم. شهرآزاد حالش خوب است و کم‌کم می‌تواند تنها بنشیند. شکلش هم همان است که بود. موشی هم الحمدالله خوب است فقط شهناز از امروز صبح تب کرده و گمان می‌کنم گریپ سختی شده است شهناز نیز کمی زکام است اما الحمدالله تب نکرده. عفت و فخرالملوک نیز حالشان خوب است و روی هم رفته همگی سلامتیم. مهرداد چند عکس از شهرآزاد گرفته که انشاءالله اگر خوب شده باشند برای مادر عزیزم خواهم فرستاد. هر میز، هر وقت که اینجا می‌آید راجع به آن مادر عزیز خیلی صحبت می‌کند و همیشه سلام می‌رساند. وضعیت مالی ما بینهایت بد است و یکی از این روزها ممکن است ما را حبس ببرند چون از هر طرف طلبکارها سر ما ریخته و طلب را مطالبه می‌کنند. بیش از این سر مادر عزیزم را درد نیاورده و کاغذم را به امید دیدار مادر بی‌همتایم تمام می‌کنم. مادر عزیزم، شهناز به آن مادر عزیزم خیلی سلام رسانید [می‌رساند] و روی ماهتان را می‌بوسد. مهرداد نیز دستهای مادر عزیز را بوسیده فخرالملوک و عفت نیز سلام فراوان دارند. از طرف من هم به همه همراهان سلام برسانید.

قربان مادر عزیزم

[۱۷ - ۳۲۳۷ - ۱۱۲ الف]

۱. احتمالاً منظور، اخبار ویرانیهای حاصل از زلزله طرود است.

۱۶۴

دوزندگی

ژاک ف. فات و شرکا

پاریس، ۳ مارس ۱۹۵۳ | ۱۲ اسفند ۱۳۳۱

پاریس

جناب کاردار،

احتراماً، به پیوست صورت حساب آخرین سفارشات علیاحضرت ملکه مادر ایران را حضورتان ارسال می‌داریم. لطفاً در صورت امکان بابت پرداخت باقیمانده اندک این صورت حساب، در صورت امکان دستور تسویه آن را از علیاحضرت تحصیل نمایید که مزید امتنان خواهد بود.

با تشکر، مراتب احترامات فائقه ما را بپذیرید.

حسابداری، پیر آمیز

[گیرنده] پاریس، کاردار سفارت ایران، خیابان فورتونی، شماره ۵

[۵۳ - ۳۲۲۷ - ۱۱۲ الف]

۱۶۵

دوزندگی

ژاک ف. فات و شرکا

صورت حساب

پاریس

فروشنده: دوشیزه میشلین

علیاحضرت ملکه مادر سفارت ایران

لباس ابریشمی شماره ۴۷۴ ۲۴۸,۰۰۰ فرانک

لباس نیلی شماره ۵۴۰ ۳۲۸,۰۰۰ فرانک

لباس مخمل آبی مراسم، حاشیه دوزی شده با نقره و یاقوت کبود ۱,۸۴۰,۰۰۰ فرانک

تغییر دور یقه و برگردان لباس به نوع خز ۹۰,۰۰۰ فرانک

بوتیک

دو جفت دستکش ۲۰,۰۰۰ فرانک

پرداخت‌ها

چک مورخ ۱۹۵۱/۸/۱۳ ۱,۶۱۳,۷۳۴ فرانک

چک مورخ ۱۹۵۱/۱۰/۲۳ ۵۳۷,۹۱۱ فرانک

باقیمانده ۲,۱۵۱,۶۴۵

۳۷۴,۳۵۵
[۵۳ - ۳۲۳۷ - ۱۱۲ الف]

۱۶۶

لوس آنجلس - جمعه ۲۸ فروردین ۱۳۳۲

علیاحضرت ملکه بسیار عزیز و مادر پرمهر و گرامی تمام فامیل

اکنون که مهین مهربان رخت سفر بسته است و انشاءالله به زودی دستهای نازنین آن وجود گرامی را خواهد بوسید. لازم دیدم که با عرض این چند سطر [مطالب] خود را یادآوری نماید. آرزومندم هنگامی که این نامه دستهای مبارکتان را می‌بوسد خوشحال و خرم و خندان باشند و بار غم از دلشان برطرف شده باشد.

قبل از همه چیز باید [از] سوغاتیهایی که برای عید نوروز ارسال فرموده بودند تشکر کنم ... باید تشکر کنم ولی نمی‌دانم به چه زبان. همه از سوغاتیهایشان خوشحال شدند، نه برای اینکه سوغاتی بود، بلکه برای اینکه علیاحضرت فرستاده بودند.

زندگی ما در اینجا وضع عجیبی به خود گرفته است. مثلاً امروز در منزل جز والاحضرت و بنده و علی کس دیگری نیست. حالا خودشان حدس بزنند که چقدر تنها هستیم. فخرالملوک رفته به فارمزر مارکت برای خرید شوید. مادام و مهرشید هم رفته‌اند برای انجام کارهای مربوط به پاسپورتشان. عفت هم همان طوری که خاطر گرامیشان مسبوق است چند روز پیش حرکت [کرد] و الآن در واشنگتن است.

کار ما اغلب این است که پای رادیو بنشینیم و منتظر باشیم تا از تهران خبری برسد و این روزها نیز موضوع مخالفت اقلیت مجلس و تشکیل نشدن جلسات است.

الان در اتاق کتابخانه نشسته‌ایم. یک ملافه بزرگ وسط اطاق روی زمین پهن کرده‌اند. یک طرف شهرآزاد چهار دست و پا روی ملافه قرار گرفته و خیره خیره به یک آینه که طرف مقابل روی ملافه است نگاه می‌کند. یک دفعه یک خیز برمی‌دارد و چند انگشت به آینه نزدیک می‌شود، آخر چون نمی‌تواند سرعت جلو رود ملافه را به طرف خودش جمع می‌کند و به تدریج آینه به او نزدیک می‌شود. والاحضرت همیشه جای علیاحضرت را خالی می‌کنند چون شهرآزاد به طور واضح بزرگ شده است. شبها همیشه یک پا برای کاناستا، کم داریم. مگر شاهدخت یاسمین بیایند والا باید دور هم بنشینیم و به تلویزیون نگاه کنیم.

دلیل اینکه تا به حال تتمه حساب علیاحضرت را نفرستاده‌ام این است که از انباری

که اسبابهای علیاحضرت در آن است صورتی آمده در حدود شصتصد دلار که البته خیلی زیاد است؛ از پرداخت آن خودداری کرده‌ام. این مبلغ را برای حمل و نقل اسبابها به انبار، بازکردن قالیها، نفتالین زدن و بستن آن [و] اجازه چندماه مطالبه می‌کنند. البته مشغول زدو خورد و چانه زدن هستم تا انشاءالله نتیجه بگیرم.

ضمناً موضوع دیگر این است که هنگامی که قالیها را یکی یکی باز می‌کردند، اندازه می‌گرفتند و بعد می‌بستند مشاهده شد که تعداد قالیها فقط ۱۱۰ عدد است. مطابق صورتی که از تهران رسیده دو عدد کم است، متأسفانه غیرممکن است معلوم کرد که دو عدد قالیچه کم است یا قالی. چون همانطور که خاطر گرامیشان مسبوق است برای فرشهای ارسالی از تهران هیچ معلوم نکرده‌اند که اندازه هر کدام چقدر است و مشخصات آن را نداده‌اند. چنانچه دستور بفرمایند که نوزوی دو مرتبه موضوع را مورد توجه قرار داده و تحقیق کند یا تعداد ۱۱۲ فرش فرستاده شده یا ۱۱۰ عدد و به بنده خبر دهند، البته خیلی به مورد خواهد بود.

مطابق صورتی که اکنون در دست است و بعداً تقدیم خواهم کرد در حال حاضر تقریباً چهارصد دلار از حساب علیاحضرت نزد این بنده موجود است. می‌خواهم خاطر عزیزشان را آگاه سازم که از این به بعد هنوز مخارجی در لوس آنجلس دارند از قبیل پرداخت ماهیانه برای اسبابها، سه عدد صندوقی که هنوز در گمرک است و باید به انبار حمل شده و برای آنها نیز ماهیانه پرداخت شود. همچنین اسبابهایشان که در گاراژ است و در مورد فروش این منزل می‌بایستی به انبار منتقل کرده و برای آنها نیز ماهیانه پرداخت شود. می‌دانم که باز خیالشان ناراحت خواهد شد و حق هم دارند چون اتصافاً خرجهای بی‌موردی است ولی بنده ناچارم این حقایق را به عرضشان برسانم. شاید هم در این مخارج که اکنون زاید به نظر می‌رسد مصلحتی است که از نظر ما مخفی است.

به هر حال راجع به مبلغ باقیمانده که قبلاً عرض شد و مقدار قطعی آن را با فرستادن صورت حساب قطعی معین خواهیم کرد هر طور دستور بفرمایید اطاعت می‌کنم. بیش از این برنگرانیهای علیاحضرت عزیزم نمی‌افزایم و مصدع اوقات گرانبهایشان نمی‌شوم.

مهرداد [پهلبد]

راجع به سه صندوقی که با هواپیما حمل شده و هنوز در گمرک است فکر هم نمی‌کنم به این زودیها اجازه استخلاص آن صادر شود چنانچه اجازه می‌فرمایید با تشریفات گمرکی آن را از گمرک خارج کنم.

۱۶۷

۲۱ مه ۱۹۵۳ [۳۱ اردیبهشت ۱۳۳۲]

حضور مبارک والاحضرت شاهپور علیرضا پهلوی

تلگراف والاحضرت به عرض رسید. مقرر فرمودند مراجعت علیاحضرت ملکه پهلوی فعلاً صلاح نیست و در موقعی دستور لازم صادر خواهند فرمود.
[در حاشیه]

تلگراف از تهران به پاریس توسط علی ایزدی

[۷ - ۳۲۴۵ - ۱۱۲ الف]

۱۶۸

وزارت امور خارجه

اداره رمز

محرمانه

از واشنگتن

شماره ۲۲۶۲۴

بتاریخ ۵۷/۱۰/۱۲

وزارت امور خارجه

الساعه، ساعت ۰۷/۳۰ بعداز ظهر آقای Newsom معاون سیاسی وزارت خارجه امریکا تلفنی با اینجانب صحبت و گفت از طرف وزیر خارجه امریکا مأموریت دارد در مورد واقعه تأسف‌انگیز Beverly Hill^۱ با شما صحبت و مراتب تأسف خودمان را در مورد این واقعه امروز عصر ابراز داریم.

ما از لحاظ امنیتی تا ده ساعت دیگر علیاحضرت ملکه پهلوی را به Century Plaza Hotel انتقال می‌دهیم زیرا در آنجا مراقبتهای ایمنی را بهتر خواهیم توانست فراهم کنیم و به شما اطمینان می‌دهیم که کاملاً مراقب هستیم. وی گفت باز با شما در این باره تماس خواهم گرفت. به نامبرده گفتم فوراً مراتب را به تهران اطلاع خواهم داد.

۵۷/۱۰/۱۲ - ۶۹۹۶

کاردار موقت، اسد همایون

[۱ - ۲۸ - ۱۱۵ ز]

۱. Beverly Hills شهری است در لس آنجلس و در جنوب غربی ایالت کالیفرنیا. تاج‌الملوک در آستانه انقلاب از ایران گریخت و به هنگام ورود به این شهر با اعتراض و تظاهرات دانشجویان و ایرانیان مقیم این شهر مواجه شد.



محرمانه وزارت امور خارجه

اداره رمز

از واشنگتن تاریخ ۱۳/۱۰/۵۲ شماره ۲۲۶۲۴

وزارت امور خارجه

موضوع:

الاصاحات . ۷۳ . بعد از ظهر آتی

معاون سیاسی وزارت خارجه آمریکا تلفنی با اینجانب صحبت و گفت از طرف وزیر خارجه آمریکا با موضوعه اردو رمورد و آلمه و آلمه تاسف انگلیس در SEVERLY HILL با اصاحات و مراقب تاسف خود مان

و اد رمورد این و آلمه امر و صرا برا زه ارم .

تا از لحاظ امنیتی تا د ساعت د یگر طیا حضرت طگ بهاسوی را

به CENTURY PLAZA HOTEL در لاهور میم زسرا

د و آسجا مراقب های ایمنی را بهتر خوا هم توانست فراهم کنیوه همسا

اطمینان همه همگکاملا مراقب حسنیم . وی گفت با زها شعاد را این باره

کما سرخوا هم گرفت . بهنا مورد گفتیم فوراً مراقب را بهتران اطلاع خوا هم

و اد .

۶۶۶۶-۱۲/۱۰/۵۲ کاره ارموقت اسد هسایون

ساعت ۵۲۰

۱۶۹

وزارت امور خارجه

اداره رمز

محرمانه

از واشنگتن

شماره ۲۲۶۲۲

به تاریخ ۵۷/۱۰/۱۳

وزارت امور خارجه

پیرو ۶۹۹۶-الساعه رئیس اداره ایران در وزارت خارجه به اینجانب تلفنی اطلاع داد که در حدود ۱۵۰۰ نفر از دانشجویان ایرانی در برابر محل اقامت علیاحضرت ملکه پهلوی دست به تظاهرات زده و خانه مجاور محل اقامت ایشان را آتش زده‌اند. وی گفت دستورات لازم به پلیس آنجا برای جلوگیری از توسعه آتش سوزی و مراقبتهای لازم برای حفظ محل اقامت علیاحضرت ملکه پهلوی صادر شده است.

۵۷/۱۰/۱۲-۷۰۱۸

کاردار موقت، اسد همایون

[۲ - ۲۸ - ۱۱۵] ز

۱۷۰

وزارت امور خارجه

اداره رمز

تلگراف کشف از سانفرانسیسکو

شماره ۱۸۳۷۱

به تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۱۳

وزارت امور خارجه

همانطور که استحضار دارند، با تشریف‌فرمایی علیاحضرت ملکه پهلوی جهت پیشگیریهای لازم امنیتی در اطراف اقامتگاه والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی با مقامات مربوطه لس آنجلس مذاکراتی به عمل آمده بود.

امروز صبح اطلاع حاصل گردید که حدود ۲۰۰۰ نفر قصد انجام تظاهرات در برابر اقامتگاه را دارند که بلافاصله اقدامات احتیاطی پیش‌بینی و معمول گردید. با توجه به تعداد بسیار زیاد تظاهرکنندگان و علی‌رغم کوشش مجدانه پلیس عده‌ای از تظاهرکنندگان دست به خرابکاری زده و در نتیجه یکی از اتومبیل‌های اقامتگاه و جوی‌های اچوب‌های | دور باغ آتش زده شد و بعضی از پنجره‌های ساختمان نیز صدمه دید. پلیس لس‌آنجلس تظاهرکنندگان را متفرق نموده، و در برخوردی که روی داد ۲۸ نفر مجروح و ۸۰ نفر تاکنون بازداشت شده‌اند. به منظور اطمینان خاطر از استقرار نظم با جناب آقای پهلبد در اقامتگاه صحبت شد. ایشان ضمن تأیید و حشیگری تظاهرکنندگان اظهار داشتند که مقامات پلیس بسیار مسلط، مجهز و بر اوضاع مسلط هستند و همگی سلامت می‌باشند. هم‌اکنون با آقای ری رنی که در غیاب مایور برادلی امور شهرداری لوس‌آنجلس را به عهده دارد صحبت شد و توجه ایشان مضمناً به حساسیت موقعیت و لزوم اتخاذ تدابیر احتیاطی فوق‌العاده جلب گردید. مشارالیه قول داد، همان‌طور که قبلاً هم پیش‌بینی شده بود، نهایت کوشش و دقت را در تأمین نظر نمایندگی به عمل آورد.

۵۷/۱۰/۱۲-۶۴۴

منوچهر اردلان

[۳-۲۸-۱۱۵-ز]

www.KetabFarsi.com

اسناد مالی رضا پهلوی